

درس خارج اصول حضرت استاد شب زنده دار دام ظلّه

تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/۰۷

موضوع: احتیاط

جلسه ۸۱

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و صلی الله تعالی علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی آله الطیبین الطاهرین المعصومین لاسیما بقیة الله فی الارضین ارواحنا فداء و عجل الله تعالی فرجه الشریف و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین.

حلول سال شمسی نو ۱۴۰۰ را تبریک عرض می‌کنیم و این‌که طلیعه‌ی این سال جدید در ماه مبارک شعبان بوده است و این‌که این سال مشرف است به این‌که دوبار با پانزده‌ی شعبان تلاقی دارد ان شاء الله به فال نیک می‌گیریم که مورد عنایات و یژه‌ی حق تعالی ان شاء الله باشیم و سالی پر از برکت تو خیر و عافیت و ترقیّات معنوی و مادی ان شاء الله برای این کشور و برای انقلاب باشد ان شاء الله؛ و ان شاء الله امیدوار هستیم که نصایح و راهنمایی‌های دلسوزانه‌ی رهبری معظم ان شاء الله به منصفی ظهور برسد و سالی باشد که پشتیبانی‌ها و مانع‌زدایی‌ها از تولید که در حقیقت راز و رمز رفع مشکلات کشور تا حدود زیادی هست ان شاء الله مورد عمل قرار بگیرد.

خب در این مسأله همه‌ی قوا باید دست به کار بشوند، جدی وارد میدان بشوند و رکن اعظم هم با خود مردم هست که برای خدا، برای پیروزی نهایی انقلاب و رسیدن به اهداف و برای این‌که حکومت الهی و اسلامی مشکلاتش کاهش پیدا بکند، بتواند به آمال و آرزوهایش دست بیابد همان‌جور که در پیدایش انقلاب مردم سرمایه‌گذاری کردند و از خیلی از جهات نفسانی و شخصی گذشتند و نتیجه‌اش این شد که خدای متعال یاری فرمود و انقلاب به پیروزی رسید، در ادامه‌ی راه هم همین‌طور است، ما باید همه‌مان از این‌که به فکر شخصی باشیم بیشتر، بیشتر به فکر این مسائل باشیم. تولید احتیاج به سرمایه‌گذاری دارد، کسانی که سرمایه دارند به جای این‌که این سرمایه‌ها را در کارهای سودآوری که به تولید نمی‌انجامد بلکه موجب مشکلات فراوان‌تر می‌شود، فقط حساب نکنند که ما این سرمایه را اگر در آن سوداگری‌ها به کار بگیریم منافع مادی بیشتری داریم، بلکه به فکر این باشند که با این مال می‌توانند آخرت خودشان را آباد کنند و این به این است که در راه تولید این کشور الهی و اسلامی به کار بگیرند ولو منافع مادی کمتری برای‌شان داشته باشد یا

درس خارج اصول حضرت استاد شب زنده دار دام ظلّه

موضوع: احتیاط

تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/۰۷

آن‌هایی که دیگر خیلی قصد قربت بالایی دارند ولو اصلاً سود هم نداشته باشد. کسانی جان خودشان را در این راه می‌دهند، در راه اسلام می‌دهند، در راه انقلاب دادند و می‌دهند. اگر ما سرمایه‌های مان را در تولید به‌کار بگیریم ولو این‌که منافعتش کمتر باشد یا یک مواردی هم فرض کنیم سودی نداشته باشد، حالا ما نمی‌گوییم ضرر داشته باشد سودی هم نداشته باشد. این راه راه خدای متعال هست، این راه راه خشنودی حضرت بقیه الله ارواحنا فداه هست. و همچنین در مصرف امور تکیه‌مان و نظر اولی‌مان به تولیدات داخلی باشد تا بازار برای تولیدات داخلی فراهم بشود و باز در این‌جا هم علاوه بر این‌که واقعاً بسیاری از تولیدات داخلی هیچ کمبودی از تولیدات خارجی ندارد و مواردی بهتر هم هست، اما در عین حال وقتی وجهه وجهه‌ی الهی شد و انسان در همین مصارف عادی‌اش هم می‌تواند به شکل عبادت انجام بدهد، همان‌طور که در اصول و فقه بیان شده واجبات توصیلی می‌شود به شکل عبادت انجام بشود، وقتی انسان این واجب را برای خاطر رضای خدا انجام بدهد و به یک نحوی آن را مرتبط کند با رضایت خدای متعال عبادت می‌شود. بنابراین انسان می‌تواند همان زندگی متعارف خودش را با تولیدات داخلی برگزار کند الله تبارک و تعالی؛ تا این‌که این کشور شیعه، کشور موالی اهل بیت این مشکلاتش کمتر بشود، برطرف بشود، دستش به بیگانگان دراز نباشد. بنابراین با این جهت هم می‌توان قصد قربت کرد و خدمت کرد و قهراً اگر سراسر زندگی ما بشود طوری که تحصیل رضای الهی بخواهیم بکنیم قطعاً خدای متعال عنایت خواهد فرمود و نتیجه‌ی او آبادانی دنیا و آخرت برای همه‌ی ما خواهد بود ان شاء الله تبارک و تعالی.

خب مسأله‌ی تولید و پشتیبانی از تولید و مانع‌زدایی‌ها، ما یک تولیداتی داریم در ناحیه‌ی امور مادی و آنچه که برای اعاشه‌ی زندگی لازم هست اما یک مسأله‌ی دیگر هم تولید علم هست، تولید معارف هست. البته در این‌جا تولید به معنای تولید کشفش هست، یعنی وجود دارد و ما به دنبال کشف آن‌ها قرار است برویم؛ این‌جا هم حقیقت مطلب این است که احتیاج به پشتیبانی‌ها و مانع‌زدایی‌ها دارد که حالا برای توضیح این مطلب در این جهت دوم ان شاء الله در بحث بعدی اگر خدای متعال توفیقی داد عرایضی عرض می‌کنم.

درس خارج اصول حضرت استاد شب زنده دار دام ظلّه

موضوع: احتیاط

تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/۰۷

خب بحث رسید به کلامی که مرحوم صاحب کفایه قدس سره در بحث ملاقی شبهه‌ی محصوره فرموده بودند که ایشان فرمودند که سه حالت دارد و تارةً فقط باید از ملاقا اجتناب کرد دون ملاقی، این یک صورت است که آن همان صورتی است که در صورت اول بیان شد که ابتداءً علم اجمالی داریم و این که مثلاً احد الامرین متنجس است، بعد ملاقات حاصل می‌شود و علم به ملاقات حاصل می‌شود بعد از این که علم اجمالی وجود داشت، حالا ملاقات حاصل می‌شود و علم به ملاقات. خب در این جا فرمودند که ما از ملاقا باید اجتناب کنیم دون ملاقی، به همان بیاناتی که تفصیلاً گذشت. که حاصلش این بود که در این صورت اصل در ملاقا و طرف تعارض می‌کند و تساقط می‌کنند و در آن رتبه‌ای که آن دو اصل با هم جریان دارند اصل در ملاقی جریان اصلاً ندارد تا طرف معارضه واقع بشود. برای این که این در طول آن‌ها هست. بنابراین اصل در ملاقا و طرف جاری می‌شود و تساقط می‌کنند به همان بیاناتی که گذشت آن جریانش در هردو که ممکن نیست چون ترخیص در معصیت قطعیه است، در احدهما دون الآخر هم ترجیح بلا مرجح است، بنابراین در هیچ کدام جاری نمی‌شود. می‌ماند ملاقی که در آن اصل جاری می‌شود بلا معارض. پس از ملاقی اجتناب لازم نیست، از ملاقا و طرفش اجتناب لازم است. این صورت اول.

صورت ثانیه این است که هم از ملاقی و هم از ملاقا باید اجتناب کرد، از هردو، و آن جایی است که ملاقات حاصل شده، علم به ملاقات هم برای ما پیدا شده اما هنوز عالم به نجاست نیستیم ولی بعد از این که ملاقات حاصل شد و علم به ملاقات هم حاصل شده است علم اجمالی برای مان پیدا می‌شود که یا آن ملاقا یا آن طرف متنجس است. خب در این جا هم باید از هردو اجتناب کرد، چرا؟ برای این که این جا علم اجمالی سه ضلعی در حقیقت برای ما اصلاً پیدا می‌شود که یا آن طرف متنجس است یا این دوتا. این جا هم خب ما باید هم از ملاقا اجتناب کنیم هم از ملاقی اجتناب بکنیم، باز هم این توضیحات و تفصیلات و ان قلت قلت هایش گذشت، این هم صورت ثانیه.

صورت ثالثه که آقای آخوند می‌فرماید این است که از ملاقی باید اجتناب کرد دون الملاقا. برای این صورت ثالثه ایشان دو مورد ذکر فرموده در کفایه. مورد اول این هست که ملاقات بین این ملاقی تو آن ملاقا حاصل

درس خارج اصول حضرت استاد شب زنده دار دام ظلّه

موضوع: احتیاط

تاریخ: ۱۴۰۰/۰۱/۰۷

شده و در این زمانی که این ملاقات حاصل شده ما علم به نجاست نداریم اصلاً، ملاقات هست، علم به ملاقات هم هست ولی علم اجمالی به این که یا ملاقا متنجس هست یا طرف هم نداریم، اصلاً علم اجمالی نداریم. بعد از این ملاقاتی که حاصل شده علم اجمالی پیدا می‌کنیم که یا آن ملاقا متنجس است یا آن طرف، ولی در این زمانی که علم برایمان پیدا می‌شود به این که یا ملاقا متنجس است یا طرف، آن ملاقا از محل ابتلاء ما خارج شده و در محل ابتلاء ما نیست. مثل همان مثالی که می‌زدیم که مثلاً در سفری این شخص با کس دیگری هم‌اتاق بوده و اشیاء خودش، بعضی اشیاء خودش خب گاهی با آن اشیاء مربوط به او، گاهی با اشیاء مربوط به خودش مثلاً ملاقات می‌کرده، حالا آمده ایران، او هم رفته آن طرف عالم و حالا علم پیدا می‌کند عجب آن جا یا آن شیء ای که مال آن آقا بوده و همراه خودش برده متنجس بود یا این شیء آخر که دست من یا این شیء، این شیء با آن ملاقات کرده که الان در محل ابتلاء من نیست. در این صورت آقای آخوند می‌فرماید خب این جا ما باید از ملاقی اجتناب بکنیم ولی از ملاقا لازم نیست اجتناب بکنیم، چرا؟ برای خاطر این که در این جا خب علم اجمالی داریم یا این ملاقی متنجس است یا آن طرف، دیگر علم اجمالی که داریم؛ اگر آن متنجس است خب این پاک است، اما اگر متنجس نیست پس قهراً آن ملاقا متنجس بوده و در آن زمان این شیء با آن ملاقات کرده شده متنجس. و الان که علم پیدا کردیم یا آن ملاقاتی که الان خرَج من محل الابتلاء متنجس است یا او، الان اصل در آن ملاقا جاری نمی‌شود، چون خارج از محل ابتلاء است و جریان اصل در او اثری بر آن مترتب نیست که شارع ما را متعبد کند بگو آن پاک است مثلاً. چون اصول عملیه در جایی جاری می‌شود که اثر فعلی داشته باشد و الا جریانش لغو است و اعتبار اصل در آن مورد از طرف شارع لغو است، چون اثری بر آن بار نمی‌شود که؛ این جا هم امور اعتقادی نیست که بخواهیم بگوییم معتقد شدن به این که پاک است مثلاً یک اثر شرعی، امور اعتقادی نیست که، اثر عملی باید داشته باشد، اثر عملی هم که ندارد. پس بنابراین این جور نیست که بگوییم اصل در ملاقا و طرف تساقط می‌کنند، جاری می‌شوند تساقط می‌کنند، نوبت به اصل بلا معارض در ملاقی می‌رسد، این را نمی‌توانیم بگوییم این جا. این جا باید گفت اصل در طرف ملاقا و در طرف در ملاقی این جا جاری می‌شود

درس خارج اصول حضرت استاد شب زنده دار دام ظلّه

موضوع: احتیاط

تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/۰۷

یعنی جریان دارد موضوع دارد، اما تعارض می‌کنند تساقط می‌کنند به خاطر این که ترخیص در هردو منجر به ترخیص در معصیت قطعی می‌شود، در احدهما دون دیگری هم ترجیح بلا مرجح است، پس بنابراین اصول ساقط می‌شوند. احتمال نجاست ملاقی یک احتمالی است که مأمّن ندارد، پس بنابراین باید اجتناب کرد و ملاقا هم که اصلی اصلاً در آن جاری نمی‌شود و آن هم که خارج از محل ابتلاء است. حالا بعد از این اگر آن چیزی که خارج از محل ابتلاء بود دَخَل فی محل الابتلاء. تا مادامی که خارج از محل ابتلاء هست که خب هیچی، حالا اگر آن دخل فی محل الابتلاء، آن آقا اتفاقاً یک مرتبه از مسافرت آمد با همان چیزهایی که آن موقع با هم بودیم و الان باهم باز در محل ابتلاء ما واقع شد. الان هم دیگر اجتناب از آن لازم نیست و اصل بلا معارض در آن جاری می‌شود، چرا؟ برای خاطر این که اصل در طرف او که آن طرف ملاقا باشد آن قبلاً قبل از این که این داخل در محل ابتلاء ما بشود با اصل در ملاقی تعارضاً تساقط. الان اصلی در طرف ملاقا وجود ندارد که بخواهد با اصل جاری در ملاقا معارضه کند، آن اصل ساقط شده در اثر آن تعارضی که در زمان خروج او از محل ابتلاء جاری می‌شده آن‌ها آن اصل‌ها تعارض کردند تساقط کردند، الان که آن وارد در ابتلاء می‌شود در مقابلش اصلی نیست که با آن معارضه کند، پس اصل بلا معارض در ملاقی جاری می‌شود و اجتناب از ملاقی لازم نیست. این فرمایش آقای آخوند در صورت اولی است، مورد اول است که این جا فرموده در این مورد ما از ملاقی باید اجتناب کنیم دون الملاقا. ملاقا ولو این که داخل در محل ابتلاء هم شد دیگر اجتناب از آن لازم نیست، اصل بلا معارض در آن جاری می‌شود. این مورد اول.

آیا این مورد قابل قبول هست از محقق خراسانی قدس سره أم لا؟ حق این است که این فرمایش در این مورد مورد قبول نیست، محقق خوئی این جور جواب می‌دهند، می‌فرمایند که این که شما می‌فرمایید در زمانی که آن ملاقا خارج از محل ابتلاء بود اصل در او جاری نمی‌شد چون اثر فعلی نداشت، بنابراین اصل فقط در طرف ملاقا و ملاقی جاری می‌شود و تعارض می‌کنند تساقط می‌کنند، این مطلب ناتمام است و نادرست است. قبول داریم که اصل، جریان اصل متوقف است بر این که اثر عملی بر آن مترتب باشد این را قبول داریم، ولی در مقام اثر عملی بر آن مترتب است. چون جریان اصل در او در همان خارج از محل ابتلاء، در همان ملاقای

درس خارج اصول حضرت استاد شب زنده دار دام ظلّه

موضوع: احتیاط

تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/۰۷

خارج از محل ابتلاء، اثر قاعده‌ی طهارت در او یا استصحاب طهارت در او این است که این ملاقی‌ای که الان در محل ابتلاء شما هست پاک باشد، اثر طهارت او این است که این پاک باشد، پس بنابراین اثر بر آن بار است و وقتی اثر بر او بار بود لازم نیست خودش در محل ابتلاء باشد. برای تنبّه نسبت به این امر دوتا مثال می‌زنند که از نظر فقهی این دوتا مثال شاید ما بگوییم مورد اتفاق همه‌ی فقهاء هست. یک این که مثلاً ما، شما یک لباس متجسی داشتی با یک آبی که یقین داشتی این آب پاک است یا این که انسان غافل بوده در آن موقع، به همان صرافت نفس آمده این را با این شسته، نسبت به این که این آب چي هست اصلاً غفلت داشته. بعد این آب لباس را شستی و ریختی، از بین رفت، بعد شک کردی که عجب آن پاک بود یا نجس بود آن آب؟ خب در این جا آیا اگر یقین داشتی شک ساری برایت پیدا شد که اصلاً آن یقین ما یا نه، این نجس بود، آن آب متنجس بود؟ یا از غفلت بیرون آمده و خب نمی‌دانم پاک بوده آن آب یا نجس بوده؟ خب الان آن آب که تلف شده ریختید دیگر رفت پی کارش. اما این جا آقایان می‌گویند اگر حالت قبلش طهارت بوده آن آب مستصحب الطهاره بود یا قاعده‌ی طهارت در آن جاری می‌کنیم می‌گوییم این لباسی که با این آب شستیم پاک است. و استصحاب بقاء نجاست در ثوب جاری نمی‌شود، چون این شک مسبب از این است که آن آب پاک است یا پاک نیست، اگر شارع می‌گوید آن آب پاک است پس ما یغسل به اثرش این است که ما یغسل به طاهر. این جا با این که آن آب معدوم است ولی اصل در آن جاری، جاری شدنش اشکالی ندارد چون اثر فعلی دارد؛ یک چیزی الان وجود دارد که با آن ملاقات با آن شسته شده بوده. مثل دوم، اگر یک چیزی را یقین داشتی پاک است یا غافل بودی، شیئی با آن ملاقات کرده مع الرطوبة المسریه یا ساریه، ملاقات کرده، بعد یقین کردی که این متنجس بوده، آن ملاقا متنجس بوده ولی احتمال می‌دهید که لعلّ باران باریده باشد به آن پاک شده باشد یا به جاری یا به کُر متصل شده پاک شده باشد یا کسی آن را آب کشیده باشد. در این جا خب با این که آن شیء متنجس، یا این که ملاقای این مثلاً شیء بوده الان از بین رفته باشد یا از محل ابتلاء خارج شده باشد، این جا آیا استصحاب بقاء نجاست او جاری نمی‌شود و گفته نمی‌شود که اصل استصحاب می‌کنیم نجاست او را، پس می‌گوییم این ملاقی با آن الان متنجس است احکام متنجس دارد. با این که

درس خارج اصول حضرت استاد شب زنده دار دام ظلّه

موضوع: احتیاط

تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/۰۷

خودش از بین رفته، آن آب از بین رفته یا از محل ابتلاء خارج شده اگر از بین هم نرفته بود. خب این جا هم قائل هستند به این که استصحاب بقاء نجاست آن آب جاری است، آن شیء جاری هست و حکم می شود به این که این ملاقا متنجس است، این ملاقی متنجس است. پس بنابراین این که آقای آخوند قدس سره می فرماید این چون از محل ابتلاء خارج است پس اصل در او جاری نمی شود و فقط اصل در طرف ملاقا و این ملاقی جاری می شود و تعارض می کند تساقط می کنند و بعد که او داخل در محل ابتلاء شد دیگر اصلی در مقابلش نیست چون تساقط کردند، فقط اصل در خودش جاری می شود این مطلب نادرست است، نه همان موقع که آن از محل ابتلاء خارج است اصل در آن جاری می شود آن اصل با طرف ملاقا معارضه می کند و در آن رتبه اصل در ملاقی جاری نمی شود، چو مسببی است. آن ها تعارض می کنند تساقط می کنند اصل در ناحیه ی این ... این به خدمت شما عرض شود که بیان محقق خوئی قدس سره در جواب از محقق خراسانی. جواب دومی که این جا وجود دارد این هست که سلّما و آمنّا به این که آن موقعی که آن ملاقا خارج از محل ابتلاء هست اصل در آن جاری نمی شود، ولی وقتی آن داخل محل ابتلاء شد که شما می فرمایید آن تعارض و تساقط دیگر این اصل بلا معارض است این را قبلاً گفتیم تمام نیست، چرا؟ برای خاطر این که اطلاق دلیل آنّا فأنّا می گیرد، چرا شما می گوید آنّا فأنّا این باید اجتناب کرد؟ به خاطر آن دلیل است که می گوید آنّا فأنّا می گوید که چی هست؟ یا می گوید طاهر است یا می گوید نجس است. حالا فرض کنید تا آن مادامی که آن خارج از محل ابتلاء بود اصل در آن جاری نمی شده، فرض کنید که البته فرمایش آقای خوئی حالا لولا یک تعلیقه ای که حالا عرض می کنم فرمایش درستی است که خارج از محل ابتلاء باشد حتی معلوم باشد، وقتی اثر فعلی بر آن مترتب است اشکالی ندارد که شارع تعبد کند به نجاست او یا به طهارتش برای آثار فعلی ای که از آن می خواهیم بگیریم. حالا فرض کنید این نباشد اما در عین حال الان که آن داخل محل ابتلاء شد الان چی هست؟ کل شیء لک حلال، کل شیء طاهر یا ادله ی لا تنقض الیقین بالشک الان در مورد طرف ملاقا می خواهد جاری بشود در مورد، این هم که الان داخل محل ابتلاء شده می خواهد جاری بشود به اطلاقش. آن هایی که به تساقط کردند مال آن زمانی بود که آن خارج بود الان جدید است، این که از بین نرفته که،

درس خارج اصول حضرت استاد شب زنده دار دام ظلّه

تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/۰۷

موضوع: احتیاط

اطلاق که اطلاق نسبت به این زمان که آن موقع نبوده که از بین برود، الان هست. این اطلاق با این درگیر می‌شوند پس بنابراین این جا هم همان محاسباتی که گفته می‌شد وجود دارد که اگر می‌گویید هر سه تایی آن‌ها تعارض می‌کنند یا می‌گویید نه آن دوتا تعارض می‌کنند چون در رتبه‌ی قبل است، این سرش سالم می‌ماند علی‌المبانی باید این جوری محاسبه کرد. خب این هم به خدمت شما عرض شود که درواقع این هم جواب درستی است که ما هم این جور جواب می‌دهیم خدمت آقای آخوند قدس سره.

س: این یک اتفاقی نیست جواب آقای آخوند نمی‌شود ...

ج: بله؟

س: این جواب شما جواب علی‌المبنا است، جواب آقای خوئی جواب اتفاقی بود خود آقای آخوند هم قبول می‌کرد. جواب شما یکی از مقدمات حرف آخوند را مناقشه دارید می‌کنید در مقدمه؛ یعنی دارید می‌گویید مبنای شما که می‌گویید تساقط کردن این دیگر از حیز انتفاء برای اصل بودن ساقط است را شما دارید این مقدمه را مبناءاً اشکال می‌کنید. اشکال دوم توی مبنایی ...

ج: اگر شما بخواهید مبنا بگویید آن اولی هم می‌شود مبنا ...

س: نه قبلی گفتید اتفاق کل است کأن ...

ج: نه می‌دانم ولی آقای آخوند ...

س: همه‌ی فقهاء ملتزم هستند به آن، حرف قبلی اشکال نقضی بود خود شما می‌کنید این جا؟ این حرف را می‌زند یا نمی‌زند؟

ج: ممکن است آقای آخوند بگوید من قبول آن جا ندارم

س: ولی این را قبول قطعاً آقای آخوند از شما نمی‌کند، می‌گوید من این را بستم که

ج: نه ما می‌خواهیم ... حالا ما جوابی که می‌دهیم یعنی ما نمی‌توانیم به مسلک، ببینید حالا بناءمان به اشکال به آقای آخوند که نیست، این است که این فرمایش را ما نمی‌توانیم بپذیریم ...

س: اگر چه آقای آخوند جواب می‌دهد دوباره به ما ...

درس خارج اصول حضرت استاد شب زنده دار دام ظلّه

موضوع: احتیاط

تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/۰۷

ج: ما طبق محاسبات درستی که به نظر می‌آید درست است نمی‌توانیم این فرمایش را بپذیریم در این صورت، بگوییم این‌جا جایی است که از ملاقی باید اجتناب کرد دون الملاقا، چرا؟ به‌خاطر این‌که ما می‌گوییم که این‌جا اطلاعات در مورد طرف ملاقا و اطلاعات در طرف ملاقا الان باید محاسبه کرد نه مال زمان گذشته که بگوئید تعارضاً تساقطاً دیگر وجود ندارد، الان باید محاسبه کرد، الان اطلاق این‌جا را می‌گیرد، این طرف هم دارد می‌گیرد این هم دارد می‌گیرد. باید این‌جوری محاسبه کرد.

اما آن چیزی که در تعلیقه‌ی مختصری که عرض کردم باید به آن توجه بکنیم این بود که محقق خوئی فرمود الان اصل در آن طرفی که خارج از محل ابتلاء هست، قاعده‌ی طهارت یا استصحاب طهارت در او اثر فعلی دارد؛ اثر فعلی او چی هست؟ اثر فعلی او طهارت این ملاقی است، این را فرمود. این‌جا جای آن فرمایش امام هست که مگر طهارت ملاقی اثر طهارت ملاقا هست؟ بله نجاست ملاقی اثر نجاست ملاقا هست، چون ادله گفته که اذا اصاب یک شیئی، یک طاهری با یک شیء متنجس یتنجس. اما این‌که طهارت او سبب طهارت این می‌شود این ملاقی هست پس نه این‌که با او شستیم، فقط ملاقات کرده، طهارت ملاقی حدوثاً، بقاءً اثر طهارت آن نیست که ما بیاویم بگوییم به این‌که آن اثر فعلی دارد پس بنابراین جاری می‌شود.

این یک مطلب، مطلب دوم این است که یک مطلبی در فقه اشاره می‌کردیم و آن این است که آیا می‌شود ما بگوییم هرچی که از محل ابتلاء هم خارج می‌شود یا اصلاً معدوم می‌شود، آن اصل در آن جاری می‌شود چون لا اقل از اثر این‌که شما می‌توانی إخبار کنی که کان طاهراً. این و اگر این باشد ما یک جایی که اثر، اگر ما بگوییم إخبار، من الآثار است بگوییم به خدمت شما عرض شود بگوییم این اثر بر آن بار است شارع به‌خاطر این دارد تعبد می‌کند که إخبار ما را درست کند، إخبار ما دروغ نباشد. این هم یک شبهه‌ای است در مقام که عرض کردم حالا در کلمات محقق تبریزی قدس سره هم در ارشاد الطالب و این‌ها یک جایی گمان می‌کنم وجود داشته باشد در مکاسب محرمه. این هم هنوز خیلی برای ما حل نشده که این چه‌جوری هست. خب این مورد اول که آقای آخوند فرمودند. مورد دوم که آقای آخوند فرموده که باز از ملاقی باید اجتناب کنیم دون الملاقا، این است که ابتداءً در این موردی که ابتداءً شخص علم پیدا می‌کند یا الف متنجس است یا

درس خارج اصول حضرت استاد شب زنده دار دام ظلّه

تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/۰۷

موضوع: احتیاط

باء، که درواقع این الف ملاقی با یک شیئی است، ولی این الان علم به ملاقات ندارد ولی علم برایش پیدا می شود که یا الف متنجس است یا باء. بعد علم پیدا می کند به ملاقات الف با جیم و همان موقع برایش علم پیدا می شود که یا جیم متنجس است یا باء و این علم هم برایش پیدا می شود که اگر این الف متنجس باشد این به نجاست آخری غیر از نجاست ملاقا و دریافت از او و سرایت از آن نجاست دیگری نیست، نجاستش اگر باشد از باب همان مثلاً ملاقات با آن جیم هست، پس ابتداءً آن که بر او حاصل شد این بود که یا الف یا باء متنجس است، این ابتداءً برایش پیدا شد. بعد علم به ملاقات الف با جیم برایش پیدا شد و در همان حین علم برایش پیدا شد که یا جیم که ملاقا هست متنجس است یا باء ...

س: الف و ب ملاقا و طرف ملاقا مگر نیستند؟

ج: چی؟

س:؟؟؟ یا الف نجس است یا باء، الف هم ...

ج: الف نجس است یا باء ...

س: الف هم با جیم قبلاً ملاقات داشتند واقعاً علم نداشتیم، الان علم پیدا می کنم که یا، هم علم به ملاقات

پیدا می کنم هم علم به تنجس پیدا می کنم، پس جیم می شود ملاقی ..

ج: ملاقا ..

س: جیم می شود ملاقی دیگر ...

ج: چرا؟

س: الف ب جیم، این ها را بکنید طرف

ج: ببینید من نمی دانستم که این الف با چیزی ملاقات کرده اصلاً ...

س: ... الف و با دوتا کأس هستند؟

ج: بله مثلاً دوتا کأس هستند ...

س: دست من هم جیم هست ...

درس خارج اصول حضرت استاد شب زنده دار دام ظلّه

تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/۰۷

موضوع: احتیاط

ج: شما این جوری مثلاً محاسبه بکنید، فرض کنید ثوب، ثوب هست و

س: بگویید دوتا کاسه که

ج: مثالی که حالا آقای خوئی زدند این است، ثوب است و کأس کبیر؛ من می‌دانم یا ثوب من متنجس است یا کأس کبیر متنجس است. بعد برای علم پیدا شد که این ثوب من با کأس صغیر ملاقات کرده و همان موقع هم فهمیدم که کأس صغیر یا متنجس است یا کأس کبیر و فرض هم بکنید که اگر تنجسی برای ثوب هم هست در اثر ملاقات با کأس صغیر است. خب این‌جا، این‌جا باز ایشان فرموده است که از ملاقی باید اجتناب بکنیم دون الملاقا، چرا؟ برای خاطر این‌که آن موقع که علم پیدا کرده یا ثوب متنجس است یا کأس کبیر، هنوز که علم به ملاقات و تنجس آن نداشتی که. این علم اجمالی تنجیز آورده و اصول تعارض کردند تساقط کردند از بین رفتند پس بنابراین الان از این لباس که در واقع ملاقی است و الان هنوز من علم ندارم، ملاقی با آن کأس صغیره، ولی من هنوز علم به این ندارم و علم به نجاست این یا آن هم ندارم. آن موقع که این علم اجمالی برایم پیدا شد که یا اجتناب این‌جا هست یا اجتناب آن‌جا هست این اجتناب صار منجزاً، اصول تساقط کرده، تعارض کرده تساقط کرده الان به این علم اجمالی این اجتناب روی ثوب اگر باشد تنجز دارد. خب و اگر روی آن کأس کبیر باشد تنجز دارد. بعد که شما علم اجمالی به، علم به ملاقات پیدا می‌کنی و علم اجمالی پیدا می‌کنی که یا کأس صغیر متنجس است یا کأس کبیر، کأس صغیر اصل در آن جاری می‌شود معارض ندارد، با کی می‌خواهد معارضه بکند؟ آن‌ها که ساقط شدند که. پس بنابراین حال کأس صغیر می‌شود حال ملاقی در صورت اولی که اول اجمالی داشتیم بعد دست‌مان به یکی ملاقات کرد، آن‌جا چی می‌گفتیم؟ می‌گفتیم از ملاقی لازم نیست اجتناب بکنیم، چون اصل در ملاقا و طرف تعارض می‌کند تساقط می‌کند سر ملاقی سلامت می‌ماند اصلش. این‌جا سر ملاقا، اصل در ملاقا به سلامت می‌ماند، چون اصل در طرف آن ملاقا و ملاقی جاری شدند تساقط کردند اصلی دیگر وجود ندارد. الان اصل در ملاقا جاری می‌شود و سر اصل در ملاقا سالم می‌ماند از تعارض. پس این هم مورد ثانی که آقای آخوند فرموده این هم مورد دوم است.

درس خارج اصول حضرت استاد شب زنده دار دام ظلّه

موضوع: احتیاط

تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/۰۷

محقق خوئی قدس سره این جا می فرمایند ما در دوره ی قبل این مورد را هم مثل مورد قبل از آقای آخوند قبول نکردیم فلذا تثلیث ایشان را قبول نداشتیم که یک موردی داشته باشیم ما از ملاقا باید اجتناب بکنیم دون الملاقه، این مورد سومی فقط می گفتیم همین است که یا یک مورد است که ملاقی از ملاقا باید اجتناب کند دون الملاقه، یک مورد هم، هم از ملاقی هم از ملاقا باید اجتناب بکند. اما یک جایی خواهیم از ملاقا اجتناب بکنیم، از ملاقی اجتناب بکنیم دون الملاقا این را قبول نکردیم از ایشان؛ چون مورد اولی که ایشان گفتند که خروج از محل ابتلاء باشد جواب دادیم، این مورد هم در دوره ی قبل جواب دادیم. ولی در دوره ی اخیر می گویند حق با صاحب کفایه است و آن جواب ما درست نبوده در دوره ی قبل. حالا جوابی که در دوره ی قبل دادند این است که فرمودند درست است شما ابتداءً علم اجمالی پیدا کردید یا ثوب متنجس است یا إناء کبیر، ولی این علم اجمالی اول به علم اجمالی دوم منحل می شود، بعد که علم پیدا می کنید یا إناء صغیر متنجس است یا إناء کبیر، این باعث می شود که آن علم اجمالی اول منحل می شود و دیگر ندارید. وقتی علم اجمالی اول منحل شد دیگر نمی تواند بگوید که یا این یا او. پس بنابراین آن منحل می شود، علم اجمالی دارم که یا إناء کبیر یا إناء صغیر متنجس است. این را ما در دور قبل می گفتیم و جواب آقای آخوند را این جوری می دادیم. اما در دوره ی اخیر متوجه شدیم که این حرف نادرست است، انحلال پیدا نمی شود این جا، علم اجمالی اول ما که از بین نمی رود که. خب من علم داشتم که یا ثوب متنجس است یا إناء کبیر؛ الان که علم پیدا می کنم که یا إناء صغیر متنجس بوده است یا إناء کبیر، آن علم را از بین نمی برد که، آن سر جای خودش باقی است. و در آن زمان که من علم داشتم یا ثوب متنجس است یا إناء کبیر نجاست اگر واقعاً در إناء صغیر بوده آن نجاست تنجزی پیدا نمی کرده، نداشته، وجود نجاست که باعث تنجزش نمی شود که تا علم به او تعلق نگیرد، حجتی به او تعلق نگیرد، آن وقت که من حجتی نداشتم بر نجاست إناء صغیر. الان که علم دارم پیدا می کنم، علم اجمالی پیدا می کنم یا صغیر متنجس است یا إناء کبیر متنجس است این جا این علم الان دیگر کارایی نمی تواند داشته باشد، چرا؟ برای این که علم پیدا نمی کنم به چیزی که علی کل تقدیر قابلیت تنجز را دارد، برای خاطر این که اگر آن اجتناب روی إناء کبیر باشد آن به علم قبلی من به آن علم تنجز پیدا

درس خارج اصول حضرت استاد شب زنده دار دام ظلّه

موضوع: احتیاط

تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/۰۷

کرده و المتنجز لا یتنجز ثانیاً. دیگر با این علم بعدی که یا إناء صغیر متنجز است یا إناء کبیر دیگر با علم نمی تواند تنجز پیدا کند، تنجز سابقاً به واسطه‌ی آن علم قبلی. بنابراین حرف آقای آخوند درست است که ما می‌گوییم الان این إناء صغیر احتمال نجاستش می‌دهیم ولی اصل بلا معارض در آن جاری می‌شود. پس تثلیث آقای آخوند درست است.

س: این که آقای خوئی یک اطلاقی را می‌گفت چه زمانش یکی باشد، زمان ملاقات تنجز، چه زمان ملاقات...

ج: بعد فرمود که فرقی نمی‌کند دیگر ...

س: خب این جا یک مناقشه‌ای داشت دیگر که اگر زمانش واحد باشد حرف ایشان که می‌گفت تبدل پیدا می‌شود علم و انضمام نیست تا ما آن حرف المتنجز لا یتنجز ثانیاً را بزیم اشکال حل شد دیگر انصافاً، شما فرمودید مطلق است، فرقی نمی‌کند که این دست توی این کاسه بوده، این انگشتر توی آن دوتا کاسه بوده و آن تنجز، آن ملاقات وحدت داشته باشد ما حالا بفهمیم یا نه بعداً انگشتر بخورد به آن إناء. که عرض شد اگر بگوییم که در همان آن تنجز آن ملاقات هم صورت گرفته ما الان دیگر به این معنا که دو طرفی که یا این کاسه نجس بوده یا آن کاسه نجس بوده حالا تساقط کردند، حالا باید از هر دوتا اجتناب بکنیم، حالا می‌ماند یک طرف دیگر، یک طرف دیگر بخواهد المتنجز لا یتنجز ثانیاً انضمامی بشود، گفتیم این حرف وقتی که وحدت زمان داشته باشد درست نیست دیگر، چون همان زمان وقتی ملاقات کردند تنجز حاصل شده پس من از الان می‌فهمم که إسه طرفی بوده طرف ما، یا ملاقا یا ملاقی یا طرف ملاقا، یعنی یا طرف ملاقا که این کاسه هست یا خود ملاقا که این کاسه هست و انگشتری که توی آن هست سه طرفه هست، حالا که شد سه طرفه اصول در همه جریان پیدا می‌کند.

ج: خب این به خدمت شما عرض شود که همان حرف‌هایی که آن جا زدیم این جا اعاده می‌شود نسبت به فرمایشات آقای خوئی دیگر که المتنجز لا یتنجز ثانیاً این درست است ولی تطبیقش نادرست است. چرا؟ به خاطر این که هر آن تنجز جدید است. تا حالا که شما توجه به این نداشتی که این إناء صغیر، تا حالا بله آن

درس خارج اصول حضرت استاد شب زنده دار دام ظلّه

موضوع: احتیاط

تاریخ: ۱۴۰۰/۰۱/۰۷

علم اجمالی به این که یا ثوب متنجس است یا إناء کبیر، اگر نجاستی در إناء کبیر باشد به این علم شما تنجز پیدا می‌کند، از این بعد که نفست متوجه می‌شود به این که یا آن متنجس بوده یا این متنجس است الان دوتا در حقیقت منجز با همدیگر در این آن می‌خواهند دیگر اثر نکنند. یکی آن علم اجمالی بین کبیر و صغیر، یکی بین ثوب و کبیر؛ این جا نمی‌شود بگوییم تنجز مال آن علم قبلی هست مال علم بعدی نیست. در این حال تنجز مستند به هردو می‌شود. بخواهی بگویی اصلاً تنجزی نیست که نمی‌شود گفت، بخواهی بگویی این تنجز مال قبلی است دون این ترجیح بلا مرجح است آن هم الان؟ آن مال، آن تنجزهای قبل را چیز می‌کرده، این تنجز بالفعل چرا؟ آن بعدی هم همین جور، بخواهی بگویی مال آن است دون این، این هم همین جور. پس بنابراین باید گفت که نه، این مورد هم از آقای آخوند قبول نیست. اما به این بیان، نه به آن بیانی که محقق خوئی در دور قبل فرموده، آن عدول ایشان از آن فرمایش دور قبل، یعنی دلیلش از دلیلی که در دوره‌ی قبل به آن استناد می‌کنند آن درست است، انحلال پیدا نکرده علم که؛ اما دلیلی که در دوره‌ی بعد به آن تمسک فرموده و با آقای آخوند موافقت فرموده این هم محل اشکال است؛ پس حق این است که تا الی هنا این فرمایش آقای آخوند که فرموده ما یک مواردی داریم که از ملاقی باید اجتناب کنیم دون الملاقا این تمام نیست.

مرحوم شهید آسید سرور قدس سره در این جا یک تعلیقه‌ای، ایشان خیلی کم تعلیقه دارد بر مصباح الاصول، یکی از جاهایی که تعلیقه دارد این جا هست، یک مطلبی فرموده که حالا ان شاء الله در جلسه‌ی بعد ببینیم که فرمایش ایشان چی هست؟ و بقی یک صورت رابعه که گفتیم شیخنا الاستاد قدس سره در دروس فی علم الاصول اضافه کردند و آن این است که از طرف الملاقا باید اجتناب بکنیم دون الملاقا و الملاقا اضافه کردند بر آن تثلیث آقای آخوند یک صورت رابعه‌ای را که این هم ان شاء الله برای جلسه‌ی بعد.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين.

پایان